



Rehabilitation of Children and Adolescents Deprived of Liberty

Sayed Sajjad Razaghi Mousavi

Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

بازپروری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

سید سجاد رزاقی موسوی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

mousavisajjad98@gmail.com

Abstract

Deprivation of liberty of children and adolescents are manifested in the form of keeping them in correctional centers. As the title suggests, juveniles in conflict with the law are kept with the aim of reforming and treating them. Therefore, it is completely in line with the primary and main goals of the criminal justice system for children and adolescents. The main purpose of enforcing enforcement and punishment in dealing with juvenile delinquency is to correct, educate and rehabilitate them, and above all, to try criminal justice measures to rehabilitate and prepare the individual to return to society. Rehabilitation of children and adolescents in conflict with the law is one of the most important issues in the criminal policy of a legal system. It should be considered through extra-legislative, legislative and sub-legislative regulations, according to future-oriented, reformist and education-oriented approaches, its decriminalization, in such a way that, on the one hand, the children and adolescents will be able to return to the family and community environment, and on the other hand, it will prevent them and the community from various harms caused by committing crimes. In this article, by using the library-document method and descriptive analysis, an attempt was made to investigate the effects of the rehabilitation system's approach with the aim of supporting children and adolescents in Iran's legal system, with emphasis on international documents.

Keywords: Children and Adolescents, Correction, Rehabilitation, Correctional Center.

چکیده

حکم سلب آزادی کودکان و نوجوانان، در قالب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نمود می‌یابد. همچنان که از عنوان این مؤسسه پیداست، نگهداری نوجوانان معارض با قانون باهدف اصلاح و درمان آن‌ها صورت می‌گیرد. ازاین‌رو، کاملاً همسو با اهداف اولیه و اصلی نظام عدالت جنایی کودکان و نوجوانان است. هدف اصلی اعمال ضمانت اجرا و کیفر در برخورد با جرائم کودکان و نوجوانان، اصلاح، تربیت و بازسازگاری آنان بوده و بیش از هر چیز، تلاش تدابیر عدالت جنایی به سمت بازپروری و آماده نمودن فرد در بازگشت به جامعه می‌باشد. بازپروری اطفال و نوجوانان معارض با قانون یکی از مهم‌ترین مسائل داخل در سیاست جنایی یک نظام حقوقی بوده که می‌بایست از رهگذر مقررات فراقضایی، تقنینی و فروتقنینی، با توجه به رویکردهای آینده‌گرا، اصلاح‌گرا و تربیت‌مدار، بزه‌زدایی آن را مورد توجه قرار داده، به گونه‌ای که از یک سو طفل و نوجوان محبای بازگشت به محیط خانواده و اجتماع شود و از سوی دیگر از ورود آسیب‌های مختلف ناشی از ارتکاب بزه به آن‌ها و اجتماع جلوگیری نمود. در مقاله حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و تحلیل توصیفی تلاش شد تا جلوه‌های رویکرد نظام بازپروری با هدف حمایت از کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران با تأکید بر اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان، اصلاح، بازپروری، کانون اصلاح و تربیت.

Received: 2022/11/01 - Review: 2023/01/06 - Accepted: 2023/02/07

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

ارجاع:

رزاقتی موسوی، سید سجاده؛ (۱۴۰۱)، بازپروری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

کودک هر چند مرتکب بزه شود، اما از آن جا که از حیث جسمانی و روانی ضعیف می‌باشد، یک بزه دیده پنهان است و از آن جا که در بزرگسال آینده جامعه خواهد بود، باید از رفتارهای خشنی که می‌تواند به کودک تحمیل گردد یا به دنبال سوء معاشرت، او را به ورطه بزهکاری گرفتار سازد، اجتناب نمود. بنابراین به دلیل فقدان یا محدودش بودن اراده مجرمانه در اطفال و متفاوت بودن شخصیت، نیازها، احساسات و عواطف اطفال از بزرگسالان، رویکرد اصلاح و درمان و بازدارندگی از راه اعمال جایگزین کیفر به جای تنبیه، سرکوب و ترجیح پیشگیری از جرم آینده بر اعمال کیفر نسبت به جرم فعلی، امروزه تأکید بر این است که نسبت به ارتکاب جرم از سوی اطفال، رویه‌ای متفاوت با آنچه در مورد بزرگسالان مرسوم است، به اجرا درآید. این رویکرد که از آن به دادرسی کیفری افتراقی یاد می‌شود، مؤلفه‌ها و اقتضائاتی دارد که مبتنی بر ارفاق، کاهش سختگیری‌ها، تسامح، رویکرد بر آینده به جای گذشته، اصلاح مداری، درمان محوری و بینش بازپرورانه است (همت و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۷).

از زمان گذشته تا به الآن بشر در کنار اعمال مجازات بر بزهکاران، با موضوع ثمره ناشی از اعمال کیفرهای متنوع روبرو بوده و از این رهگذر نگرش‌های متعددی در زمینه کارکردهای کیفر مطرح شده است. این نگرش‌ها به طور کلی با دو رویکرد سزاگرایی و فایده‌گرایی یا به تعبیری آینده‌گرا به پاسخ‌دهی به مجرمان می‌نگرند. یکی از دغدغه‌های موجود در رویکرد آینده‌گرا این بوده که اعمال کیفر نسبت به فرد بزهکار به چه نحو باشد تا از سویی در قبال جرم ارتكابی تادیب شده و از سوی دیگر به‌عنوان عضوی از جامعه با این نگرش اشتباه که عنصری نامطلوب، به واسطه ارتکاب بزه قلمداد شود، از

جامعه طرد نشده و زمینه بازگشت وی به دامن خانواده و جامعه و پیشگیری از بزهکاری مجدد وی فراهم گردد (غلامی و رحیمی، ۱۳۸۸، ۱۴۹). در مقوله بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار با توجه به آن که آن‌ها اصلی‌ترین سرمایه اجتماع بوده و دارای شخصیتی آسیب پذیر و وضعیت روحی و روانی حساسی می‌باشند و خاصه آن که ظرفیت جنایی این گروه عموماً تکامل یافته نمی‌باشد و از قابلیت انطباق بسیار بالا برخوردارند، التزام بیشتری در اتخاذ رویکرد آینده گرا در اعمال کیفر نسبت به آن‌ها برای نظام حقوقی حاکم بر جامعه به وجود خواهد آورد.

یکی از شناخته‌شده‌ترین واکنش‌های تنبیهی در عرصه دادرسی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تدابیر سالب آزادی است که در قالب اعزام به مؤسسات نگهداری اطفال، نمود می‌یابد. مؤسسات نامبرده در نظام حقوقی ایران، با عنوان کانون اصلاح و تربیت شناخته می‌شوند. کانون اصلاح و تربیت مرکز نگهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانانی است که به علت ارتکاب بزه محکوم شده‌اند^۱. واکنش‌های تنبیهی از جمله توسل به مجازات حبس، بایستی صرفاً در صورت کارساز نبودن سایر تدابیر اجرا گردد، چرا که نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه جانبه و مطلق مجازات‌ها عملیاتی نمی‌گردد، لذا نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه جانبه و مطلق مجازات‌ها عملیاتی نمی‌گردد. هرچند همواره نگاه جرم‌شناسان به مجازات‌های سالب آزادی کودکان و نوجوانان، نگاه مثبتی نبوده و بر استفاده حداقلی از آن تأکید دارند، اما نمی‌توان از آثار بازپرورانه آن چشم پوشید. قطعاً آنچه در این نوشتار نیز بدان توجه می‌شود، اما باید توجه داشت، زمانی که در یک بستر و نظام دادرسی تخصصی و ویژه، قاضی به این نتیجه می‌رسد، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مصلحت کودک و نوجوان است، چنین پاسخی در راستای بازپروری و جامعه‌پذیر نمودن اوست. به‌ویژه زمانی که محیط خانواده در بزهکاری کودک نقشی اساسی ایفا می‌کند و در واقع کودک، قربانی تربیت ناصحیح والدین خویش بوده، سپردن طفل به خانواده منطقی نیست. در چنین شرایطی، می‌توان کانون اصلاح و تربیت را به‌مثابه یک شخص حقوقی دانست که جایگزین خانواده اصلی می‌شود و وظیفه تربیت طفل را بر عهده می‌گیرد تا از بزه‌دیدگی مجدد او در بستر خانواده جلوگیری کند؛ بنابراین نکته اصلی در این میان، توجه به منافع عالی و مصلحت کودک است که به‌عنوان یک عامل

۱- تبصره دوم آئین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان نیز بیان می‌دارد: معرفی اطفال و نوجوانان زیر هجده سال به زندان ممنوع بوده و چنانچه به دستور مراجع قضایی اطفال و نوجوانان زیر هجده سال به زندان اعزام شوند، رؤسای زندان‌ها مکلف‌اند بلافاصله آنان را به کانون اصلاح و تربیت اعزام نمایند.

تعیین‌کننده در تمامی مراحل پاسخگویی بایستی به آن توجه داشت.

کودکان و نوجوانان محروم از آزادی از جمله گروه‌های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین‌المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می‌برند، امکان نادیده گرفتن آن‌ها و تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی شان بیشتر از گروه‌های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه‌ای برای احقاق حقوق آن‌ها وجود ندارد و به طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و حتی گاهی شکنجه قرار می‌گیرند (بیگی و تیموری، ۱۳۹۵، ۵). در واقع، هدف از این واکنش‌ها، عدم توسل به زندان یا کاهش مدت زندان می‌باشد، چنانکه عقیده بر آن است که حبس و مجازات سالب آزادی نمی‌تواند چندان کارآمد باشد و این مجازات باید به‌عنوان آخرین راه چاره باشد و اگر کودک با تذکر و مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماعی و جزای نقدی متنبه می‌شود، نباید از مجازات سالب آزادی استفاده شود. لذا باید نگاه متفاوتی پیرامون بزه‌کاری آنان اتخاذ شود که از منظر مبانی اجتماعی، اطفال به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌بایست مورد حمایت اجتماعی قرار گرفته و نیازها و احساسات شان لحاظ گردد که آموزه‌های جرم‌شناسی و تأکید اسناد بین‌المللی نیز بر این امر تأکید دارند. در عرصه بین‌المللی سیاست‌گذاران جنایی با تهیه و تصویب برخی از اسناد الزام‌آور و ارشادی تلاش نموده‌اند که هم با عضویت دولت‌ها در معاهدات و پیمان‌نامه‌ها و هم به نحو ارشادی، دولت‌ها را در اتخاذ تدابیر بازپرورانه در سیاست‌های جنایی خود و گرایش بیشتر آنان به جنبه اصلاح‌گرایانه و بازسازگارانه اعمال کیفر در مقایسه با جنبه سزادهی آن هدایت نمایند.

علت اصلی الزام در اتخاذ چنین دیدگاهی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار این می‌باشد که طفل و نوجوان بزهکار فردی ناقص هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی می‌باشد که اصولاً به نحو اتفاقی مرتکب چنین عملی می‌شود و پس از اعمال ضمانت اجراهای تادیبی مجدداً وارد اجتماع خواهد شد و از یک سو افراد جامعه دیدگاهی منفی به آنان خواهند داشت و از سوی دیگر به دلیل حساسیت سنی اطفال و نوجوانان و ویژگی‌های خاص این دوره سنی و آسیب‌های اجتماعی و انحرافات بر آنان بیشترین تأثیرگذاری را خواهند داشت لذا به منظور جلوگیری از ثبات آنان در فرایند بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری آتی و طردشدگی آنان، اتخاذ تدابیر بازپرورانه در سیاست جنایی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. براساس یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرایان حضور مدت‌دار اطفال بزه‌کار و گرایش آنان به پایداری در ورطه بزهکاری پیوند وجود دارد. از این رو واگذاری اختیار پاسخگویی به این دسته، می‌تواند ضمن کم

مدت کردن حضور آنان در عرصه عدالت کیفری به ارائه یک پاسخ به منظور بازسازی نظام شخصیتی این قشر بیانجامد (نیازپور، ۱۴۰۱). افزون بر این، تدابیر سالب آزادی کودکان و نوجوانان را نباید با مجازات‌های سالب آزادی مجرمین بزرگسال، همسان دانست. با این توضیح که هرچند به موجب ماده ۳ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، حبس مجرمین باهدف بازپروری آنان صورت می‌گیرد، لکن بدیهی است در هر صورت، هدف اولیه، سلب آزادی آن‌ها است که با رویکرد اصلاحی-درمانی سامان می‌یابد. در حالی که این موضوع در رابطه با کودکان و نوجوانان صادق نیست. بدین معنا که هدف اولیه در تدابیر سالب آزادی، تعلیم و تربیت نوجوانان و آموزش نحوه صحیح زندگی به آنان است که لازمه چنین امری نیز این است که کودک یا نوجوان، مدت‌زمانی در دسترس نظام عدالت کیفری باشد. به همین علت او را در یک مؤسسه نگهداری که در ایران با نام کانون اصلاح و تربیت شناخته شده تحت نظر قرار می‌دهند تا در این مدت تنها از مسیر مشخص شده، تحت تدابیر آموزشی و حمایتی قرار گیرد و از عوامل خطر پیرامون خود فاصله بگیرد. با این توضیحات، نمی‌توان چنین احکامی را یک مجازات سالب آزادی در معنای اخص دانست و با رویکردی منفی، به کلی آن را زیر سؤال برد. در مقابل می‌توان نهاد مزبور را «مدرسه بزهکاران» (نیازپور، ۱۳۸۵، ۱۵۲) نام‌گذاری کرد که در جهت باز اجتماعی نمودن کودکان بزهکار اقدام می‌نماید. همچنان که سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز، از کاربرد عنوان زندان بر این مؤسسات خودداری کرده و با برگزیدن عنوان «کانون اصلاح و تربیت» اهداف رشدمدار نظام عدالت جنایی کودکان و نوجوانان را نمایان ساخته‌اند.

با توجه به فلسفه تأسیس مؤسسات مورد بحث و محتوای اسناد بین‌المللی^۲ این‌طور استنباط می‌شود که هدف اولیه در محروم نمودن کودکان از آزادی و نگهداری آن‌ها در مؤسسات خاص کودکان، تأکید بر بازپروری کودک است نه مجازات وی. چنین هدفی نیز با اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و اقدامات حمایتی در مؤسسات مذکور به دست می‌آید. نباید از نظر دور داشت که یکی از راه‌های مؤثر در تکمیل برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت جهت اجرای تدابیر اصلاح و بازپروری، تغییر نگرش این مرکز از رویکرد توان‌گیرانه به بازپرورانه است؛ بنابراین «شرایط حاکم بر این نهاد، باید کمترین شباهت به محیط

۲- در این زمینه می‌توان به مواد ۱-۲۶ و ۲-۲۶ قواعد پکن و همچنین مواد ۳۱ تا ۵۵ قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی اشاره کرد. در این مواد موضوع توجه به نیازهای جسمانی، روحی، روانی و عاطفی و همچنین برخورداری کودکان و نوجوانان از تمامی مراقبت‌ها و حمایت‌های اجتماعی و آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است.

زندگانه را داشته باشد؛ چرا که تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان در فضای محدود در قالب اسارت تحقق نخواهد یافت». بر این اساس «طراحی بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان و محیط مادی نیز، باید باهدف رعایت نیاز نوجوان به حریم خصوصی و شخصی، انگیزش‌های حسی، فرصت برای ارتباط با همسالان و مشارکت در عملیات ورزشی، تمرینات بدنی و فعالیت‌های اوقات فراغت همساز باشد» (عباجی، ۱۳۸۸، ۱۵۸). بدیهی است تمامی این موارد گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر پاسخ‌های سالم آزادی نظام عدالت کیفری اطفال است. به بیان دیگر، هدف اصلی و اولیه نظام دادرسی اطفال که همانا تربیت و آموزش اطفال بزهکار است، از گذر این پاسخ میسر می‌شود.

نگارنده درصدد این است که چه قواعد و مقرراتی در موقع بازپروری از اطفال در ایران و سایر اسناد بین‌المللی باید رعایت شود و نیز آیا این قواعد در سطح بین‌الملل و حقوق ایران رعایت شده است یا خیر؟ با این توضیحات و به منظور تبیین آثار تربیتی قانون اصلاح و تربیت، تدابیر این نهاد از منظر بازپروری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است طیف گسترده و متنوعی از برنامه‌های حمایتی جهت بهره‌مندی مددجویان قانون اصلاح و تربیت اعمال می‌شود؛ از این رو با لحاظ ماهیت متفاوت تدابیر مورد بحث، در این نوشته سعی بر این است که علاوه بر بحث‌های کلی مطروحه، مقررات داخلی ایران در این خصوص با مقررات موجود در اسناد بین‌المللی مورد ارزیابی قرار بگیرد. در ذیل به بررسی بازپروری اطفال و نوجوانان کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به‌عنوان یکی از موارد اقدامات تأمینی، تربیتی و اصلاحی می‌پردازیم.

۱- مفهوم و ماهیت بازپروری

در ادبیات جرم‌شناسی نظر به اظهارنظرهای مختلف جرم‌شناسان، به طور کلی، بازپروری را می‌توان به معنای بازگشت به وضعیت پیشین عاری از جرم تعریف کرد. اصطلاح بازپروری^۳ به لحاظ لغوی به معنای بازتوانی^۴ یا دوباره میزان کردن^۵ است که از اصطلاح لاتین اقتباس شده است (Craig, 2013, 4). اصطلاح بازپروری متضمن این معناست که بزهکار دارای سابقه و توانایی‌های یک شهروند مولد است و به همین دلیل قبل از هر چیز باید دوباره آموزش دیده و به‌سوی ارزش‌هایی که در یک حیات مولد و برای یک شهروند مفید ضروری است سوق داده شود. از دیدگاه برخی نویسندگان، بخشی از ابهام معنایی اصطلاح

3- Rehabilitation

4- Re-enabling

5- Making fit again

بازپروری ناظر به مشکلاتی است که در نظام عدالت جنایی وجود دارد؛ کما این که خود نظام عدالت جنایی نیز نیازمند بازپروری است (Mc Neill, 2012, 36). در ادبیات جرم‌شناسی و کیفرشناسی، اصطلاح بازپروری ناظر به آماده‌سازی بزهکاران جهت حضور مجدد در جامعه به‌عنوان شهروندانی قانونمند و مولد است (غلامی، ۱۳۹۵، ۱۹۰).

بازپروری اطفال و نوجوانان در اصطلاح به معنای بهسازی شخصیتی، روانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی طفل و نوجوان معارض با قانون با لحاظ حساسیت‌های دوره سنی، جهت بازگشت به جامعه و زندگی عادی و پیش‌جنایی می‌باشد به گونه‌ای که به وی اجازه می‌دهد به طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده نماید. برخی دیگر بازپروری را این گونه تعریف کرده‌اند: «یک برنامه مداوای روانی-اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه به منظور سازش‌پذیری اجتماعی بزهکار» (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ۱۶۳).

علاوه بر این، حق بر بازپروری، در راستای کرامت انسانی و رفتار توأم با احترام، به‌عنوان بخشی دیگر از حقوق انسانی و به‌ویژه حقوق بزهکاران است که در بند سوم ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است. در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز آمده است که: «هیچ نظام ندامتگاهی و زندانبانی نباید صرفاً سزادهنده و کیفرگرا باشد، بلکه چنین نظامی باید در اصل به دنبال اصلاح و بازپروری زندانیان باشد». در این تفسیر، کمیته حقوق بشر بر ضرورت توجه به بازپروری بزهکاران و الزام نظام حقوقی به آن از طریق وضع قانون، تدابیر عملی، ارائه انواع آموزش‌های علمی و فنی و حرفه‌ای، تنظیم برنامه‌های کاری برای زندانیان و اتخاذ سایر اقدامات ضروری در درون و بیرون زندان تأکید می‌کند. چنین تدابیری باید نسبت به کلیه بزهکاران و از جمله بزهکاران مکرر و پرخطر نیز به مورد اجرا گذاشته شوند (Van Kempen and young, 2012, 14).

به این ترتیب هدف اصلی از بازپروری بزهکاران، پیشگیری از تکرار جرم آن‌ها و یا کاهش نرخ آن است. راهبرد بازپروری بر تغییر رفتار بزهکاران جهت عدم استمرار اعمال مجرمانه آن‌ها تکیه می‌کند. در این راستا هدف آن است که با «تشخیص» تفاوت‌های بزهکاران، مناسب‌ترین و مؤثرترین شیوه برای تغییر رفتار غیرقانونی بزهکاران اتخاذ گردد. این تشخیص با استفاده از تئوری‌های روانشناسی و دانش‌هایی که می‌توانند در تغییر و اصلاح رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه آنان مورد استفاده قرار گیرند، صورت می‌پذیرد. بازپروری، از طرق گوناگون سلامت روانی، خدمات پزشکی، حقوقی یا اجتماعی می‌تواند به

طرز خاصی به عنوان شکلی از ترمیم مناسب باشد، درحالی که به طور همزمان ارائه خدمات می کند. اشکال درمانی نیز می تواند به طرز مناسبی درمان یک کودک یا نوجوان را تسهیل کند و به بازسازی زندگی سالم آن ها کمک کند. علاوه بر این، در درجه دوم، برنامه های اصلاحی و تربیتی که برای بازپروری بزهکاران تنظیم می گردد، ضرورتاً باید به وسیله کارکنان کارآموده و ماهر، به همان ترتیبی که برنامه ریزی شده اند، به موردا اجرا در آیند. اجرای برنامه های مذکور به وسیله پرسنل فاقد مهارت و کاردانی نمی تواند کاهش تکرار جرم را در پی داشته باشد. در اجرای برنامه های اصلاح و تربیت اصل سومی نیز باید رعایت شود و آن این است که برنامه ها کسانی را باید مورد هدف قرار دهند که در معرض تکرار جرم هستند، زیرا کاهش تکرار جرم قابل اندازه گیری و ارزیابی است. بسیاری از بزهکاران از درجه تکرار جرم اندکی برخوردارند و تأثیر برنامه های اصلاح و تربیت بر کاهش تکرار جرم آن ها به سختی قابل ارزیابی است.

۲- بازپروری در محیط خانواده

خانواده اولین محیطی است که کودک در آن رشد و نمو می یابد. حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از برهم خوردن این نهاد، امری مهم در نظام حمایتی کودک است. در جدایی کودک از خانواده نیز حفظ رابطه با خواهر و برادر و سایر روابط و علائق خانوادگی در راستای مصالح عالیه وی است. این روابط باید به صورت تداوم، منظم و همراه با ملاقات های معقول و مناسب کودک با این افراد باشد (Children's Bureau, 2016, 3). خانواده اطفال بزهکار همیشه محیط مطلوبی برای بازپروری و بستری مناسب جهت بازگشت آنان به جامعه نیست. بزه کار بودن پدر، مادر یا سایر اعضای خانواده، گرایش آنان به اعتیاد موادمخدر و غیره و پرخاشگری های خانوادگی از جمله مؤلفه های نامطلوب بودن محیط خانواده برای اصلاح و درمان اطفال بزهکار به شمار می روند. کودکانی که در خانه هایی با نبود محبت و حمایت رشد می کنند، والدین آن ها مهارت رفتار مدیرانه ندارند و زندگی شان با اختلاف و بدرفتاری است که احتمال بزهکاری شان بیشتر است، درحالی که یک خانواده حامی حتی می تواند در محیط بیرونی بسیار خصمانه و آسیب زننده از فرزندان نگهداری کند. حفظ و نظارت از سوی والدین جنبه مدیریت خانواده است که همواره به بزهکاری وابسته است.

۶- در این جا باید خانواده را به صورت گسترده معنا کرد تا خانواده بیولوژیکی، خانواده از طریق فرزندخواندگی خانواده مراقب، خانواده گسترده و سایر انواع خانواده را که به موجب عرف داخلی یک کشور مورد پذیرش قرار گرفته است، دربرگیرد.

اصلاح و تربیت^۷ دارای اهداف و الگوهایی است که بر اساس آن‌ها می‌توان نظام‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک کرد. تأکید روزافزون بر بازپذیری^۸ بزهکاران و انطباق آنان با هنجارهای اجتماعی ویژگی مشترک و هدف بنیادین اصلاح و تربیت در دنیای جدید است (Bousat, 1963, 202). در جهان امروز تفوق اندیشه اصلاح و تربیت بر فکر مجازات و سرکوبی به در مورد کودکان و نوجوانان، در تمام مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار به وضوح خودنمایی می‌کند. در همین راستا جوامع در جستجوی راهکارهایی هستند که به جای ارباب و تنبیه، به طرق مقتضی به اطفال مساعدت نمایند. مقررات جزایی عمدتاً حول محور بازپروری تدوین می‌گردد تا با رفع نیازها، حس محرومیت از طفل را دور و با تدابیر مقتضی از او حمایت کنند. این چنین اقداماتی نه بر اساس اهمیت جرم بلکه به تناسب شخصیت آن‌ها اتخاذ می‌گردد. در واقع کودکان با لحاظ شرایط فردی و شخصیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا به دلیل جرائمی که مرتکب شده‌اند (غلامی، ۱۳۹۳، ۵۸). توجه به نیازهای خانواده و تأمین مناسب آن نیازها، افزایش آگاهی و ظرفیت والدین و مهارت‌های آنان جهت پاسخ به نیازهای فرزندان، ارتقای وضعیت اقتصادی و بهداشتی خانواده، از جمله اقدامات لازم در این خصوص است (Miano, 2013, 38). محیط خانواده نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام رفتاری و شخصیتی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ایفا می‌کند (Von Hirsch, 2009, 6).

در شماری از اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه معرفی شده است. در اسناد بین‌المللی ویژه کودکان و نوجوانان، مانند پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، سپردن این دسته از بزهکاران به خانواده پیش‌بینی شده تا با مراقبت‌ها و حمایت‌های این نهاد، اطفال بزهکار به سمت جامعه‌پذیری و هم‌نوا شدن با هنجارها و قواعد اجتماعی رهنمون شوند. بازپروری کودکان بزه دیده نیز در ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. در میان این اسناد، قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ بر استفاده از این روش برای پاسخ‌دهی به برخی از اطفال بزه‌کار تأکید دارد. مطابق ماده ۲-۱۸ به کشورها توصیه شده تا آن جا که امکان دارد از ظرفیت‌های این محیط برای پاسخ‌دهی به اطفال بزه‌کار بهره گرفته شود. از این رو، در تفسیر این ماده در سند مذکور آمده است که در

7- Corrections

8- Reintegration

داخل خانواده، والدین نه تنها حق دارند، بلکه موظف هستند که از کودکان خود مراقبت کنند و قاعده ۲-۱۸ تصریح می‌کند که جدایی طفل از خانواده تنها می‌تواند آخرین راه باشد (خواجه نوری، ۱۳۹۶، ۱۶۶). مطابق بند چهارم ماده ۶۵ قانون نمونه حفاظت کودکان مصوب ۲۰۱۳ که در خصوص ارتباط کودکان و نوجوانان با والدین در مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است «کودکان باید بتوانند تماس خود با والدین، اعضای خانواده و سایر نزدیکان خود را از طریق ملاقات مرتب و مکاتبه حفظ نمایند».

۳- بازپروری در کانون اصلاح و تربیت

معنا و مفهوم اصلی اصلاح^{۱۰}، بهبود وضعیت فرد است. برای نیل به این هدف، مدارس تربیتی و کانون‌های اصلاح و تربیت ایجاد شده و یکی از اهداف ضمنی آن نیز اصلاح بزهکاران است. قانون‌گذار در تعریف کانون اصلاح و تربیت چنین اظهار داشته است: «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب اطفال غیر بالغ بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از هجده سال تمام سن داشته باشند».^{۱۱} اندیشه بازپروری و اصلاح مجرمان و عدم اتخاذ سیاست کیفری سرکوبگر صرف و توجه به شخصیت بزهکار و متناسب بودن مجازات با شخصیت بزهکار برای نخستین بار توسط بنیانگذاران مکتب تحقیقی بیان گشت و به مرور زمان و با توجه به گرایش بیشتر دولت‌ها به سیاست‌های بازپرورانه نسبت به سیاست‌های کیفری صرف و تحت تأثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسانه، برنامه‌های متنوع تربیت مدار، حرفه‌آموزی، روانشناختی و غیره از سوی سیاست‌گذاران جنایی تدوین گشته و نهادهای اصلاحی مربوطه در این زمینه به وجود آمده تا به شکل چندجانبه و همه‌جانبه در زمینه بازپروری عمل گردد. کانون اصلاح و تربیت یکی از تأسیسات اصلاحی و بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران می‌باشد. سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز از یک سو به دنبال تحولات جرم‌شناختی و از سوی دیگر با توجه به آن که اطفال و نوجوانان عموماً از ظرفیت جنایی ضعیف، قابلیت انطباق و آموزش‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند، در برخی از قوانین نسبت به مسئله بازپروری اطفال و نوجوانان از طریق کانون اصلاح و تربیت تأکید نموده‌اند. در این راستا می‌توان به بند ۸ ماده ۸۸ و ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۲۸۷ و ۵۲۵ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که مقنن به کانون اصلاح و تربیت به‌عنوان نهادی بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار توجه نموده است. همچنین

9- Reformation

۱۰- آئین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲

مقنن در راستای تأکید بر نقش بازپرورانه کانون اصلاح و تربیت در ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ به بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانون‌های اصلاح و تربیت اشاره داشته است.

سلب آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار در محیط حقوق کیفری از سنتی‌ترین پاسخ‌های این سامانه است. بر این اساس، نظام حقوق کیفری برای عده‌ای خاص و بزهکاران را سلب می‌کند چرا که این سلب آزادی از مهم‌ترین پاسخ‌های سزاگرایانه در حقوق کیفری به حساب می‌آید. در عرصه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، اصل بر عدم استفاده از حبس در کانون می‌باشد. با این وجود قانون‌گذار ایران برای پاسخ‌دهی به دسته‌ای از اطفال و نوجوانان مرتکب جرم این شیوه را به وجود آورده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در تبصره اول و تبصره دوم ماده ۸۸ به این مطلب پرداخته است. همچنان که مطابق تبصره دوم همین ماده اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم‌های حدی و یا قصاص می‌باشند می‌توانند مشمول تدابیر سالب آزادی قرار گیرند.

کانون اصلاح و تربیت باید نسبت به اجرای برنامه‌های ورزشی، تربیتی، اخلاقی، آموزشی، علمی و تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. همچنین انتظار می‌رود در زمینه درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان بزهکار اقدام‌های لازم به عمل آید تا از این رهگذر زمینه‌های بهبود شرایط جسمی، روحی و روانی آنان فراهم شود، در صورتی که این کودکان و نوجوانان بزهکار مستقر در کانون از تحصیل محروم مانده امکان دسترسی به مدرسه را نداشته، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در چهارچوب نظام آموزش و پرورش به اجرا در می‌آید. همچنین پس از پایان مدت اقامت فرد در کانون اصلاح و تربیت و آزادی وی، فعالیت‌های مقدماتی و ابتدایی با عنوان مراقبت پس از خروج مطرح می‌گردد که شامل پیگیری و نظارت مستقیم امور مددجویان و اسکان مددجویانی است که سرپناه ندارند. در این مرحله پس از آزادی فرد در صورتی که فرد به خانواده خود بازگردد باهماهنگی‌های به عمل آمده مددکار به صورت مستقیم با مددجو و خانواده وی در ارتباط خواهد بود و انجام خدمات مشاوره‌ای و همچنین کارایی و به کارگیری مددجو را انجام خواهد داد و در صورت وجود مشکلات حاد در خانواده اقدامات لازم را جهت کاهش عوارض ناشی از مشکلات خانوادگی بر فرد به عمل خواهد آورد.

تلاش برای اصلاح افراد در کانون‌های اصلاح و تربیت معمولاً یا به تنهایی از طریق تعلیمات مذهبی و

اخلاقی و یا به‌وسیله یک رژیم اصلاحی شامل تمرین، کار، بهداشت، نظم و انضباط، تعلیم و تربیت و آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ۲۴۴). این روش تربیتی بر محور محرومیت کودکان و نوجوانان از آزادی و نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت استقرار می‌یابد. این رویه ریشه در تاریخ حقوق جزا داشته و بعدها نیز با وصف دگرگونی در رژیم کیفری اطفال در شکل جدیدی حفظ گردید. در اوایل جنبش حمایت از اطفال در دو قرن اخیر، اماکن ویژه در زندان‌های عمومی برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شد. بعدها در اوایل قرن بیستم مؤسسه‌های مانند کانون اصلاح و تربیت باهدف اصلاح و بازپروری آنان به وجود آمد. هدف از نظام دادرسی نوجوانان بازپروری است. داشتن روحیه همیاری، دادن اطلاعات صحیح، انجام برنامه‌های تربیتی و تغییر نگرش نسبت به کانون اصلاح و تربیت، افزایش روحیه و اعتمادبه‌نفس و تغییر دیدگاه خود نسبت به خود و محیط خانوادگی از جمله مواردی است که می‌تواند در کار برنامه‌های کانون باعث تغییر فردی کودک و نوجوان شود (نجفی توانا، ۱۳۹۸، ۲۳۵).

اجرای برنامه اصلاحی و تربیتی وقتی مفید فایده است که اطفال و نوجوانان به فضای ایجادشده در مؤسسات نگهداری اعتماد کنند. کانون اصلاح و تربیت باید با ایجاد قسمت ویژه اطفال و نوجوانان، اول به شناسایی خانواده آن‌ها پردازد و اگر از نظر شرایط خانوادگی نامناسب تشخیص داده شدند، باید با روش‌های مختلف محیط خانوادگی را سالم نماید و در صورت عدم اصلاح اطفال و نوجوانان، به ارگان‌های مربوطه تحویل دهند. ولی اگر خانواده از نظر اصول اجتماعی مورد تأیید قرار گرفتند باید با کانون اصلاح و تربیت، گامی روبه‌جلو در بازپروری اطفال و نوجوانان بردارند (موذن زادگان، ۱۳۹۷، ۷۶). در مراکز اصلاح و تربیت، روش‌های اصلاحی و تربیتی مختلف اعمال می‌گردد. بدیهی است برنامه‌های پرورش و بازپروری حسب درجه انطباق‌پذیری اطفال و حالت روحی و سوابق بزهکاری آن‌ها متفاوت است. طبق ماده ۳۲ مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، طرح مراکز نگهداری نوجوانان و محیط فیزیکی باید باهدف بازپروری و با رعایت نیاز نوجوانان منطبق باشد. در همین راستا ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو حق کودکی را که توسط مقامات واجد صلاحیت جهت نگهداری، حمایت، بازپروری یا بازیابی جسمی یا روحی به خانواده یا مؤسسه‌ای سپرده شده است برای انجام بررسی دوره‌ای درمان ارائه شده برای کودک و کلیه شرایط دیگر مربوط به نگهداری از او به رسمیت می‌شناسند». در قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲ به این مقوله به‌طور مفصل‌تری پرداخته‌شده و سعی شده تا نواقص و خلأهای موجود در قوانین گذشته تا حدودی برطرف گردد^{۱۱}. قانون‌گذار فقط در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج نوجوانان پانزده تا هجده سال، مجازات کانون اصلاح و تربیت را در نظر گرفته است. البته در تبصره دوم این ماده قضات می‌توانند با توجه به وضع این دسته از بزه‌کاران و جرم ارتكابی مجازات حبس را تعدیل کنند. باین‌همه، در پرتو حقوق کیفری ایران و اکنش سزاگرایانه و سلب‌کننده آزادی اطفال و نوجوانان مذکور همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها تعبیر شده است.

در هنگام بازداشت یا زندانی نمودن اطفال یا نوجوانان باید ضمن تأمین نیازهای انسانی وی جدا از افراد بزرگسال نگهداری شود. الزام به نگهداری جداگانه اطفال با بزرگسالان امروزه از ضروریات رفتار مناسب با اطفال می‌باشد که در اسناد بین‌المللی بدان پرداخته شده است همچنین، از قسمت سوم ماده ۲۶ مقررات پکن نیز به جدا بودن مؤسسات نگهداری نوجوانان از بزرگسالان اشاره شده است. این حق در کنوانسیون حقوق کودک نیز ذکر شده اما منوط به منفعت عالی‌ه کودک گردیده است، بر همین اساس قسمت اخیر بند پ ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا شود، مگر آن‌که این امر مغایر با منافع عالی‌ه کودک تشخیص داده شود و او حق دارد جز در موارد استثنایی، تماس خود را با خانواده‌اش از طریق مکاتبه و ملاقات حفظ کند». بدین ترتیب اگر منافع کودک اقتضاء کند جداسازی انجام نمی‌شود. در بند سوم ماده ۶۵ از قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ به تفکیک نگهداری کودکان و نوجوانان با بزرگسالان اشاره دارد که مقرر داشته و تأکید می‌کند؛ کودکان بازداشتی باید جدا از بزرگسالان بازداشتی نگهداری شوند. در نتیجه، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی ایران تحت تأثیر الگوهای جرم‌شناسی بالینی و با پیش‌بینی مقررات متعددی در دو سطح تقنینی و فراتقنینی در زمینه تشکیل کانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان بزه‌کار و لزوم نگاهداری آنان در این مراکز، درصدد اصلاح و باز اجتماعی نمودن آنان برآمده‌اند.

۴- تدابیر اصلاحی-تربیتی

۴-۱- تدابیر آموزش علمی-فنی و حرفه‌ای

آموزش مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اقدام بازپرورانه و توانمندکننده است. مؤسسات نگهداری بزه‌کاران به نقش آموزش‌های اصلاحی از طریق توسعه و تکمیل مهارت‌های علمی و ایجاد مهارت‌های شغلی به‌عنوان وسیله

۱۱- مواد ۸۸ الی ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

برای برآوردن نیازهای حیاتی، توسعه استانداردهای زندگی و تقلیل نرخ بازگشت بزهکاران به زندان و به‌طور کلی جرم پی برده‌اند. اولین مبنای تئوریک لزوم ارائه آموزش‌های اصلاحی این است که جهل و نادانی و فقدان آموزش دلیل ارتکاب جرم را تشکیل می‌دهد (غلامی، ۱۳۹۳، ۲۵۴). در بسیاری دیگر از پژوهش‌های کیفی‌شناختی نیز بر نقش مؤثر آموزش و پیشگیری تکرار جرم تأکید شده، ضرورت ارتباط میان آموزش و نیاز بزهکار و همچنین ارتباط آن با امکان اشتغال در خارج از زندان مورد تصریح قرار گرفته است (Austin, 2001, 334). مطابق یافته‌های برخی از این پژوهش‌ها، برنامه‌های آموزش علمی و فنی حرفه‌ای منجر به توانمندسازی مؤثر بزهکاران شده، دسترسی آنان به کار مناسب را فراهم می‌کنند. در این صورت، چنین برنامه‌هایی نه تنها موجب افزایش امکان اشتغال به کار برای زندانیان آزادشده می‌شوند، بلکه در کاهش نرخ تکرار جرم و بازگشت سرمایه‌گذاری مربوط به آموزش زندانیان نیز مفید و مؤثر می‌باشند.

این بخش توسط مربیان حرفه‌وفن اداره شده و آنان کودکان بزهکار را در کارگاه‌های وابسته به کانون با حرفه‌های گوناگون آشنا می‌سازند. مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای عهده‌دار آموزش حرفه و اداره کارگاه‌های زندان مطابق برنامه‌های پیش‌بینی شده می‌باشند. بنابراین کودکان مزبور به دو شق همکاری تقسیم شده و آن‌هایی که صبح‌ها به کلاس درس می‌روند عصرها به کارگاه رفته و کسانی که صبح‌ها در کارگاه‌ها مشغول آموزش فنی و حرفه‌ای هستند عصرها در کلاس درس حاضر می‌شوند. کودک و نوجوان محروم از آزادی در طی فرایند تعامل با دیگران یاد می‌گیرند که چگونه هیجان‌های خود را کنترل کنند، چگونه برای خود هدف تعیین کنند و برای رسیدن به آن تلاش نمایند، با افراد موفق از نظر اجتماع آشنا می‌شوند و روند الگوسازی آن‌ها از افراد می‌تواند به نحو مثبتی شکل گیرد. تلاش برای ثبت‌نام و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان در هر مقطعی بعد از آزادی از کانون می‌تواند مانع بسیار مهم در تکرار جرم توسط آن‌ها باشد. برنامه‌های آموزشی کانون اصلاح و تربیت، در دو حوزه تحصیلات علمی و حرفه‌آموزی دنبال می‌شوند؛ برنامه‌های مذکور با توانمندسازی علمی و عملی مددجویان، فرصت‌های مشروع دستیابی به اهداف را در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند.

ماده ۱۳۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به موضوع آموزش محکومان اشاره داشته و بیان می‌دارد: «به‌منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهاى نهفته آن‌ها آموزش می‌بیند». مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پس از تشکیل پرونده شخصیت و ورود به قسمت نگهداری، مشمول برنامه‌های

کنون می‌شوند. بخش مهمی از برنامه‌های اجرایی متوجه حرفه‌آموزی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای است. آن‌ها بر مبنای خواست و سلیقه و همچنین با توجه به سطح دانش خود، در یکی از کارگاه‌های حرفه‌آموزی، مشغول می‌شوند. ماده ۱-۲۲ مقررات پکن مقرر می‌دارد: «تحصیلات تخصصی، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان به کار گرفته خواهد شد.» در نهایت در بند ششم ماده ۶۵ از قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ به برنامه‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای در کانون اصلاح و تربیت اشاره دارد که مقرر می‌کند: «در بازداشت باید برنامه‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای برای کمک به کودک در فائق آمدن بر مشکلاتی که در ارتکاب تخلف توسط او مؤثر بوده‌اند ارائه گردیده و کودکان برای بازگشت به جامعه، زندگی خانوادگی، تحصیل و یا اشتغال بعد از آزادی آماده گردند.»

۴-۲- تدابیر درمانی-پزشکی

کنون اصلاح و تربیت متشکل از اداره‌های مختلفی است که اداره بهداشت و درمان از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند. اداره مذکور اقدامات و برنامه‌های خود را از بدو ورود مددجویان به کانون که در قرنطینه به سر می‌برند، آغاز کرده و به‌طور مستمر در طول زمان نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت، ادامه می‌دهند. با توجه به ماهیت فعالیت اداره مورد بحث، اقدامات متفاوتی از قبیل تشکیل پرونده شخصیت، بررسی وضعیت جسمانی و روانی مددجویان و همچنین درمان آن‌ها در دستور کار ایشان قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، کانون اصلاح و تربیت باید تدابیری در جهت حل معضلات روحی، روانی و اجتماعی مددجویان به کار گیرد. همچنین توجه به مشکلات زیستی و بیماری‌های آنان نیز امری مهم تلقی می‌شود و باید در جهت درمان آن‌ها تلاش نمود (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۴، ۱۱۱). بدین ترتیب؛ کودکان مبتلا به بیماری در این قسمت معالجه می‌شوند. در صورت حاد بودن بیماری، کودکان به بیمارستان اعزام می‌گردند. درمان معتادین نوجوان نیز به عهده کانون می‌باشد. در این زمینه مراکز بهداشت و درمان وزارت بهداشت همکاری‌های لازم را با کانون به عمل می‌آورند. مطابق ماده ۱۱۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور «بهداری مؤسسه یا زندان موظف است از محکوم تازه‌وارد معاینه‌های کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایش‌های تشخیص طبی برنامه‌ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوط اقدام نماید. کلیه اقدام‌های پزشکی باید در پرونده محکوم درج گردد.»

در کانون اصلاح و تربیت واحد بهداشت و درمان وجود دارد و مددجویان پس از ورود به کانون توسط پزشک مورد معاینه قرار می‌گیرند و چنانچه به بیماری خاص مبتلا باشند یا از دارویی به‌طور دائم استفاده می‌کنند بلافاصله بایستی پزشک کانون را مطلع نماید. در طول مدت نگهداری چنانچه مددجویی بیمار شود حق مراجعه به بهداری را در تمام ساعات شبانه‌روزی با هماهنگی مراقبین خواهد داشت. اگر بیماری مددجو قابل درمان در بهداری محل نگهداری باشد پزشک کانون اقدام به مداوا خواهد نمود. ولی اگر بیماری و یا شکستگی خارج از توان بهداری محل نگهداری باشد و یا این که بیمار نیاز به عمل جراحی اورژانسی داشته باشد بعد از انجام هماهنگی‌های لازم بیمار به بیمارستان خارج از کانون توسط مراقبین انتظامی اعزام خواهد شد. به‌منظور تسریع در امر پذیرش، اداره کل زندان‌های استان تهران با برخی از بیمارستان‌های خارج از زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت قرارداد همکاری امضاء نموده است. همچنین پزشک بهداری کانون در هر روز سه وعده از وضعیت خوابگاه‌ها و گروه‌ها بازدید به عمل می‌آورد و در طول روز دو تا سه ساعت به معاینه و مداوای مددجویان در محل خوابگاه آن‌ها می‌پردازد. سه روز در طول هر هفته مددجویان توسط ارتوپد، چشم‌پزشک و دندان‌پزشک مورد معاینه قرار می‌گیرند.

ازجمله برنامه‌هایی که برای پیشگیری توسط بهداری کانون انجام می‌گیرد عبارت‌اند از: برنامه‌های آموزشی فردی و گروهی در قالب کلاس‌های آموزشی بهداشتی که هم‌روزه در ساعت معین برگزار می‌شود؛ تشکیل کلینیک مثلی برای آموزش در مورد بیماری‌های ایدز، بیماری‌های مراقبتی، اعتیاد، هپاتیت و غیره؛ تشکیل کلاس‌هایی در مورد آثار زیان‌بار مواد مخدر و کلاس‌هایی برای کسانی که اعتیاد سنگین به مواد مخدر دارند؛ آموزش در خصوص حفظ بهداشت عمومی خوابگاه‌ها و تعویض و شستشوی به‌موقع پتوها؛ آموزش در خصوص بیماری‌های واگیردار و مشکلات بهداشتی که در مراکز پرتجمع زیاد اتفاق می‌افتد. در پاره‌ای موارد ممکن است ضروری باشد که برخی نقص‌ها و نارسایی‌های جسمانی، عصبی یا روانی از طریق مداوا، گاه در محیط باز، گاه در بیمارستان یا در یک مرکز تخصصی معالجه شوند. چنین اقداماتی برای صغار (نگهداری آن‌ها در یک مرکز پزشکی یا پزشکی-آموزشی مناسب) وجود دارند.

این موضوع در اسناد بین‌المللی نیز به آن اشاره شده است. در ماده ۳۸ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه دیده و شهود مصوب ۲۰۰۴ نیز برای ترمیم کودک بزه دیده آمده است: «تا حد امکان، هزینه‌های یکپارچه‌سازی تحصیلی و اجتماعی، معالجات پزشکی، مراقبت‌های سلامت ذهنی و خدمات حقوقی باید ارائه شوند». مراقبت از طریق پزشکی و روانشناسی و خدمات حقوقی و اجتماعی در سند

بین‌المللی عدالت کودکان بزه دیده و مشهود جرم مصوب ۲۰۰۹ پیش‌بینی شده است و در سند مذکور مراقبت شخص حامی را نیز در مرحله پس از اجرای حکم به رسمیت شناخته و در ماده ۳۲ مقرر داشته است: «شخص حامی باید کمک و مساعدت را برای کودکان تا زمانی که مساعدت مورد نیاز است مهیا کند». در نهایت در ماده ۲۱ قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ نیز کمک‌های پزشکی و روان‌شناختی، اقدامات بازتوانی و استقرار مجدد مورد تأکید واقع است و در بند سوم ماده یادشده آمده است که: «کودک باید تا زمانی که دوباره به جامعه بازمی‌گردد از کمک‌های مستمر استفاده کند. باید بر اساس نیازهای خاص کودک و نوع ناراحتی تحمل شده، باهدف فراهم کردن زمینه بازگشت موفق کودک به خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی تدوین گردند. این اقدامات باید شامل مراقبت‌های پزشکی و روان‌پزشکی و نیز مشاوره تحصیلی و شغلی و آموزش باشد. کودک باید از مشاوره و هدایت مستمر بهره‌مند گردد تا از قربانی شدن دوباره و محرومیت اجتماعی وی جلوگیری به عمل آید».

۳-۴- تدابیر مراقبتی تربیتی

برای اجرای تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی و رعایت نظم در انجام وظایف، مراقبت و راهنمایی اطفال و نوجوانان و همچنین جلوگیری از فرار آنان، قانون اصلاح و تربیت با تقسیم کار از مراقبین داخلی و خارجی استفاده می‌نماید. در مورد تربیت و اصلاح اطفال و اعمال روش‌های آموزشی، مراقبت انتظامی داخل کانون توسط مراقبین و مددکاران که استخدام و به‌کارگیری آن‌ها دارای شرایط سنی و علمی خاصی می‌باشد، انجام گیرد. حداقل سن بیست سال و میزان سواد دیپلم متوسطه می‌باشد این افراد از چندین سال قبل به همت مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌های کشور با طی دوره‌های کارآموزی و آموزش حین خدمت ضمن ارتقاء تجارب، با آموزش‌های علمی نیز آشنا تر شده‌اند. البته مراقبین باید از نظر اخلاق و سلامت جسمانی و روان دارای صلاحیت بوده و متأهل باشند. در مورد مراقبت خارجی و حفاظت محوطه داخلی کانون اصلاح و تربیت و بدرقه اطفال از افراد پلیس وظیفه و یا کادر استفاده می‌گردد که انتخاب آن‌ها نیز معمولاً با توجه به میزان سواد و سایر شرایط انجام و درعین حال همانند مراقبین داخلی باید دوره آموزش تخصصی و کارآموزی را برای آشنایی با ماهیت و شکل وظایف محوطه طی نماید.

با توضیحات ارائه شده مشخص شد تمامی تدابیر و برنامه‌های اجرایی کانون اصلاح و تربیت، در جهت رشد و تعالی شخصیتی، روحی و جسمانی مددجویان سامان‌دهی شده‌اند تا از این گذر، به تربیت نوجوانانی هنجارمند و قانونگرا همت گماشته و مانع از ارتکاب جرم مجدد توسط آن‌ها شوند؛ همچنین

قواعد بین‌المللی موجود در این حوزه نیز بر این موضوعات تأکید دارد؛ بنابراین قانون اصلاح و تربیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول در مرحله پاسخگویی به نوجوانان معارض با قانون، مجری اهداف رشد‌مدارانه نظام عدالت کیفری اطفال است؛ زیرا بنیان نظام مذکور که هدف اصلی و اولیه خود را حمایت و تربیت کودکان و نوجوانان معارض با قانون می‌داند.

نتیجه

امروزه بازپروری بزهکاران به‌ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار با توجه به حساسیت‌های سنی آنان و خاصه آن که مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی جوامع می‌باشند از موضوع‌های اصلی سیاست جنایی شمار زیادی از کشورها به شمار می‌رود. هدف اصلی در برخورد با جرائم اطفال، علاوه بر اجرای عدالت بازسازی، تربیت و اصلاح آنان است. از این رو کنوانسیون حقوق کودک مقرر کرده که «در دادرسی کودکان، اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و اقدامات دیگر، باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع و منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد» (بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک). مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه به کارگیری مجازات‌های جامعه مدار در قبال کودکان بزهکار، کنوانسیون حقوق کودک است که جنبه الزامی داشته و به موجب آن کشورهای عضو موظفند در مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های ملی خود از مفاد این سند (از جمله شناسایی کیفرهای جامعه مدار برای پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال) پیروی کنند و زمینه‌های پیش‌بینی مجازات‌های اجتماعی در مقررات ملی را به منظور بسترسازی مناسب برای اصلاح و درمان اطفال بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم فراهم کنند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در ۱۳۹۲، معرفی اطفال بزهکار به مددکار اجتماعی یا روانشناس، فرستادن آنان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی، جلوگیری از رفت و آمد به محل‌های معین، نهادهای پیش دادرسی، نهادهای ارفاقی و مجازات‌های جایگزین حبس از جمله تدابیر جامعه مداری هستند که به موجب آن می‌توان اطفال را در بستر جامعه مجازات کرد تا از این رهگذر هم به اطفال بزهکار پاسخ داده شود و هم از پیامدهای زیان بار کیفرهای سنتی، مانند حبس اجتناب گردد. بدین ترتیب، پیش‌بینی این گونه اقدامات در قلمرو سیاست جنایی ایران، سبب می‌شود که با رویکردی اصلاحی درمانی به اطفال بزهکار پاسخ داده شود. در نتیجه آنان به گونه‌ای مناسب‌تر به سمت بازپروری و عدم گرایش به تکرار جرم سوق یابند، زیرا روند جامعه‌پذیری اطفال بزهکار به دلیل کوتاهی‌های محیط

خانواده، مدرسه و دیگر محیط‌ها به درستی طی نشده است و باید به جای سرکوب، نسبت به حمایت از آنان و ایجاد بسترهای مناسب به منظور برطرف ساختن خلأهای فرایند جامعه‌پذیری اقدام شود. به این ترتیب است که در سال‌های اخیر فرایند برخورد با جرائم اطفال جنبه ترمیمی به خود گرفته است، به گونه‌ای که بزهدکار، بزه دیده و والدین آن‌ها با نظارت و همراهی قاضی یا شخص ثالثی از جامعه مدنی تمام تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلاف‌ها و تعارض‌های ناشی از جرم به کار می‌برند، لذا اقدام قضایی متعارف در مورد بزرگسالان کم رنگ شده و راهبرد شبه قضایی ترمیمی در اولویت قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بیگی، جمال و تیموری، مهرداد، ۱۳۹۹، آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران، **فصلنامه حقوق کودک**، شماره ۵.
- خواجه‌نوری، یاسمن، ۱۳۹۶، **جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهدکار**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- عباچی، مریم، ۱۳۸۸، **حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجلد.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۵، **کیفرشناسی کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۳، **تکرار جرم بررسی حقوقی جرم شناختی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- غلامی، علی و رحیمی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرایم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۳۰.
- مؤذن زادگان، حسنعلی و غلامی، نبی اله، ۱۳۹۷، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص

- قراره‌های تأمین کیفری اطفال و نوجوانان، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۶۳.
- میرکمالی، علیرضا و حسینی، انیسه، ۱۳۹۴، کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۱۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۷، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نجفی توانا، علی، ۱۳۹۸، **نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- نیازپور، امیرحسن، ۱۳۸۵، بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، **فقه و حقوق**، شماره ۱۱.
- نیازپور، امیرحسن، ۱۴۰۱، **حقوق کیفری کودکان و نوجوانان**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- همت، مسعود؛ حیدرپور، حمیدرضا؛ بزی تنها، ژیلا، ۱۳۹۷، مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و امریکا)، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۳۷.

لاتین

- Craig, L.A, 2013, What works in offender rehabilitation, Wiley-Black Well, pub.
- Mc Neill, F, 2012, Four of offender rehabilitation: towards an interdisciplinary perspective, legal and criminological psychology.
- Van Kempen and young, P.H.P.H.MC, W, 2012, Prevention of reoffending, Intersenita, pub.
- Children's Bureau, 2016, determining the best interests of the child, Washington D.C: U.S.Department of Health and Human Services, Child Welfare Information Gateway.
- Bousat-Pinatel, 1963, Traite de droit penal ET la crimionolgy, ED-Dalloch-Paris.
- Miano. S. Marie, 2013, toward aChild-Oriented Approach to Reparations: Reflecting on the Rights and Needs of Child Victims of Armed Conflict, RRAXIS the Fletcher journal of Human Security, Volume XXVIII.
- Von Hirsch, A. Achworth. A.and Roberts, j, 2009, Principled sentencing, Hart publishing, USA.
- Austin, j, 2001, Prisoner reentry: current trends, practices, and issues. Crime & delinquency, 47 (3).